

دیالکتیک عام و خاص و تغییرات فرهنگی توسعه محور

عادل عبدالهی^۱

چکیده

در فرایند جهانی شدن در خصوص امکان همزیستی فرهنگ محلی با فرهنگ جهانی نظریه پردازی نظیر رونالد رابرتسون و آنتونی گیدنز بر دیالکتیک فرهنگ محلی و جهانی تأکید دارند. در این مقاله با الهام از رویکرد مذکور به تحلیل تغییرات فرهنگی و اجتماعی در هورامان پرداخته می‌شود و پرسش‌های محوری این پژوهش عبارتند از؛ آیا در هورامان می‌توان از همزیستی و ترکیب فرهنگ جهانی با فرهنگ محلی سخن گفت؟ ساکنان این منطقه در خصوص دیالکتیک فرهنگ محلی با فرهنگ جهانی چطور فکر می‌کنند؟ و چه برداشتی از رفتارهای عام‌گرایانه و خاص‌گرایانه دارند؟ روش‌شناسی این مقاله مبتنی بر روش کیفی است و در گردآوری داده‌ها از فنون مختلفی از قبیل تاریخ شفاهی، تحلیل محتوا، مشاهده و مصاحبه میدانی استفاده شده است. داده‌های جمع‌آوری شده نیز با استفاده از فنون تحلیل موضوعی و تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که تغییر در صنایع دستی هورامان به منظور افزایش فروش و کارایی این محصولات صورت گرفته که از این امر می‌توان تحت عنوان احیای امر محلی در چارچوب قواعد جهانی یاد کرد. در همین راستا جوانان هورامانی با بازنمایی فرهنگ محلی در رسانه درصدد تقویت صنعت توریسم و عام شدن فرهنگ محلی هستند. زنان از ورود به فعالیت‌های اقتصادی به مثابه رفتاری فرصت‌آفرین و رهایی‌بخش تعبیر می‌کنند. که این عامل جنسیت‌زدایی در فعالیت‌های اقتصادی و اشاعه نسبی ارزش‌های جهانی مثل افقی شدن ساختار قدرت در خانواده را بدنبال داشته است. همچنین مردم هورامان با خوانشی محلی از قواعد عام، مثل حفاظت از محیط زیست، دیالکتیک عام خاص و عام را رقم زده‌اند و از این طریق زمینه‌های نهادینه شدن نگرش‌های توسعه‌محور و عام‌گرا را فراهم نموده‌اند. در چنین شرایطی ضروری است که مصلحان توسعه در برنامه‌ریزی‌های خود به بسترهای فرهنگی و اجتماعی جوامع محلی توجه داشته باشند و با تلفیق متناسب فرهنگ جهانی با فرهنگ محلی مسیر توسعه پایدار را هموار سازند.

واژگان کلیدی: فرهنگ محلی، فرهنگ جهانی، دیالکتیک عام و خاص، توسعه، هورامان.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۱۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۸/۳۰

^۱ استادیار پژوهشی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور (Email: Adelabdollahi@psri.ac.ir)

مقدمه

در ادبیات توسعه به روند تغییرات کشورهای ژاپن، چین، کره جنوبی، مالزی، تایوان و سنگاپور تحت عنوان معجزه شرق آسیا^۱ تعبیر شده است (آمسدن: ۱۹۹۴؛ پیچ: ۱۹۹۴؛ استیگلیتز و یوسف: ۲۰۰۱). استفاده از چنین اصطلاحی ناظر بر تجربه موفق مدل‌هایی بود که متفاوت از مدل‌های پیشنهادی رایج در نظریه‌های توسعه بودند و این مدل‌ها توسعه اجتماعی و اقتصادی قابل توجهی را در این کشورها رقم زدند. تجربه این کشورها بیان‌گر رد مدل‌های خطی که بر غرب محوری و ویژه امریکا محوری مدل‌های توسعه تأکید داشتند، بود. رویکردی که به طور سنتی در ادبیات توسعه رایج بود حکایت از این داشت که تفاوت‌های فرهنگی بدنبال فرایند گریز ناپذیر جهانی شدن همگون شده و رنگ می‌بازند. نظریه پردازانی مثل رونالد رابرتسون و آپادورای ضمن این که به پیامد فرایند‌هایی از جمله مک‌دونالدیزاسیون، کوکاکولانیزاسیون و... واقف بودند ولی در کنار این چنین روندی بر نوعی همزیستی و ترکیب عناصر جهانی با عناصر محلی و خاص تأکید می‌کنند. در این خصوص رابرتسون معتقد است که «بخش عمده‌ای از کنش‌ها و واکنش‌های فرهنگی در جهان معاصر برگرفته از دیالکتیک عام و خاص می‌باشند. به نظر او نیروهای ادغام‌گر و همگونی‌آفرین، مکمل نیروهای تفاوت‌زا هستند، و از همدیگر جدایی‌ناپذیرند» (رابرتسون، ۱۹۹۲: ۱۷۴ به نقل از گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۴۳).

تغییرات صورت گرفته در کشورهای شرق آسیا باعث شد تا در ادبیات توسعه رویکردهای مختلفی در خصوص سرنوشت فرهنگ‌های محلی در رویارویی با فرهنگ عام جهانی مطرح شوند. یکی از رویکردهای غالب که در این رابطه مطرح شد حکایت از آن دارد که فرهنگ‌های خاص با فرهنگ عام جهانی وارد داد و ستدی پیچیده می‌شوند تا در عین حفظ خاصیت خود، از مزایای فرهنگ جهانی نیز بهره‌مند شوند. عرصه‌ی فرهنگی جهان صرفاً عرصه‌ی تحمیل، تسلیم، تهاجم، همگونی و یا گاهی مقاومت مسالمت‌آمیز نیست، بلکه عرصه‌ی داد و ستد، فصل و وصل، همگونی و ناهمگونی نیز هست (لِچنر، ۲۰۰۰: ۳۲۰ به نقل از گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۴۵-۱۴۴). مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که در رفتار فرهنگی ایرانیان رویکردی جهانی و مسالمت‌آمیز وجود دارد که باعث شده آمادگی پذیرش و جذب فرهنگ‌های دیگر و رابطه‌ی متقابل اثرگذاری و تأثیرپذیری با دیگر قومیت‌ها را داشته باشند، اقوام و فرهنگ‌های دیگر را با خود بیگانه‌نشانند و به‌جای دفع و رد آن‌ها و سر در لاک خود فروبردن، به همدلی و سازگاری با آنان گرایش داشته باشند. دوری‌گزینی از جهان بزرگ و ستیز با آن، خصلت ذاتی، اساسی و همیشگی فرهنگ ایرانی نبوده است (ثلاثی، ۱۳۸۹: ۱۰-۱۵). در همین رابطه، اشاره به آثار شاعران ایرانی از جمله اشعار سعدی و حافظ به درک ما از ریشه‌های فرهنگی و تاریخی کثرت‌گرایی فرهنگی در بین ایرانیان کمک می‌کند:

| | |
|------------------------------------|--|
| غلام همت آنم که زیر چرخ کبود | زهر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است |
| جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه | چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند (حافظ) |
| آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است | با دوستان مروت، با دشمنان مدارا (حافظ) |
| بنی آدم اعضای یکدیگرند | که در آفرینش ز یک گوهرند (سعدی) |

همچنین منشور کوروش به‌عنوان اولین بیانیه حقوق بشر و یکی از بزرگ‌ترین نشانه‌های روحیه‌ی تعامل در فرهنگ ایرانی، هویتی جهانی به ایران و ایرانیان داده است و امروزه به مثابه میراثی همگانی از سوی سایر فرهنگ‌های دنیا از آن یاد می‌شود. و اما وقتی که از فصل و وصل و داد و ستد فرهنگ‌های خاص با فرهنگ عام جهانی سخن می‌گوییم پرسشی که مطرح می‌شود آن است که در جامعه مورد مطالعه، یعنی هورامان که از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی خاصی برخوردار است، آیا می‌توان از همزیستی و ترکیب عناصر فرهنگ جهانی با فرهنگ محلی سخن گفت؟ آیا در زندگی روزمره ساکنان این منطقه می‌توان مصادیقی از قبیل بازتولید فرهنگ محلی در قالب قواعد عام و جهانشمول یافت که بتوان از آن تحت عنوان احیای امر محلی در چارچوب قواعد جهانی یاد کرد؟ یا توجه به ورود عناصر مدرنیته به این منطقه در جامعه هورامان چقدر امکان همزیستی و ترکیب عناصر فرهنگی مختلف وجود

دارد؟ آیا مردم هورامان آمادگی و امکان این را دارند که عناصر فرهنگی خود را به گونه‌ای بازنمای کنند که در قالب منطقی عام گرایانه امکان مطرح شدن در سطوح فرامحلی، محلی و فراملی را داشته باشند؟

طی یک دهه اخیر مطالعات مختلفی در خصوص ورود عناصر نوسازی و پیامدهای آن در ساختار اجتماعی و اقتصادی هورامان صورت گرفته است. در همین رابطه محمدپور و رضایی (۱۳۸۷) در یک مطالعه کیفی به درک معنایی پیامدهای ورود نوسازی به منطقه اورامان در کردستان ایران، با کاربرد نظریه زمینه‌ای، پرداخته‌اند بر اساس نتایج این مطالعه، مردم اورامان پیامدهای نوسازی را به مثابه ساختاربخش و ساختارشکن دریافته‌اند که در آن نوسازی از یک طرف ساختارهای جدیدی به جامعه آنان بخشیده است اما همزمان بسیاری از ساختارهای سنتی آنان را نیز دچار افول کرده است. نتایج مطالعه از کیا و همکاران (۱۳۹۲) نیز نشان می‌دهد که هویت زنان در زمینه گرایش به تحصیلات و مشاغل خانگی، تحت تأثیر ارزش‌های جهانی متحول شده است، ولی در خصوص اشتغال بیرون از منزل و داشتن استقلال رأی، هنوز ارزش‌های محلی و سنتی تسلط نسبی خود را بر هویت زنان حفظ کرده است. همچنین مطالعاتی دیگر در جامعه مورد مطالعه صورت گرفته که نتایج آن همسوی با مدرنیته‌ی بازانديشانه مورد نظر گیدنز و آلریش‌بک است. در همین رابطه نگارنده در مطالعه‌ای تحت عنوان «جهان-محلی شدن و هویت قومی در هورامان» به این نتیجه رسید که بازانديشی در هورامان دربرگیرنده این واقعیت است که عناصر سازنده هویت قومی پیوسته باز سنجی می‌شوند و در پرتو اطلاعات تازه، اصلاح می‌شوند. بنابراین در هورامان هویت قومی در پرتو کشف‌های تازه‌ای که به خورد آن داده می‌شود، پیوسته دگرگون می‌شود. و این تنها در عصر مدرنیته است که تجدیدنظر در هویت، در همه ابعاد آن صورت می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۷).

مردم هورامان به زبان کُردی و گویش هورامی تکلم می‌کنند. هورامی گویشی است رایج در ناحیه‌ی کوهستانی هورامان در غرب ایران، در شمال شرقی استان کرمانشاه و جنوب شرقی استان کردستان که از شمال به مریوان، از مشرق به سنندج، از جنوب به اسلام‌آباد غرب و قصر شیرین و از مغرب به شهرزور در کشور عراق محدود شده است (سلطانی، ۱۳۷۰: ۵۰ به نقل از بختیاری، ۱۳۹۰: ۵۸). در منابع کُردشناسی به برخی از ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ی مورد مطالعه، یعنی هورامان، مبنی بر متمایز بودن این منطقه از سایر نقاط کردستان اشاره شده است. مطالعات اکتشافی نگارنده نشان داد که همین ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی می‌تواند زمینه کاربرد منطق جهانی را در راستای خاص شدن در عین عام شدن به دنبال داشته باشد. در همین رابطه می‌توان به تلاش‌های صورت گرفته برای به ثبت رساندن برخی از سنت‌های محلی از قبیل «کوته کوته» و «کلاوه روچنی»^۲ و «گویش هورامی» به عنوان سنت‌ها و نمودهای شفاهی جامعه هورامان در موزه میراث معنوی کشور اشاره کرد.^۳ توجه به این نکته که در بین پنج اثر ثبت شده

^۱ اصطلاح کوته کوته در گویش هورامی، به معنای دنبال هم به راه افتادن است. در زمان اجرای مراسم تمام کسانی که به نوعی از روستا مهاجرت کرده‌اند به روستا برمی‌گردند و همدیگر را ملاقات کرده و به اجرای مراسم می‌پردازند. از دو سه روز قبل از مراسم، همه اهالی روستاهای هورامان برای روز مراسم مژده‌گانی از قبیل گردو، بیسکویت، انواع شکلات، کشک، کشمش و میوه‌های خشک از قبیل گلابی و الوچه می‌خرند، تا برای روز مراسم آماده باشد (موزه مجازی میراث معنوی ایران، خرداد ۱۳۹۶).

^۲ «کلاوه روچنی» از دو کلمه «کلاوه» به معنای کلاه و «روچن» به معنای نورگیری (فضای پنجاه در پنجاه سانتی‌متری) است، که روستاییان منطقه هورامان تخت جهت روشنایی بر بام‌های خود می‌ساختند. این مراسم در اواخر هفته دوم بهمن ماه (روز پنجشنبه ساعت چهار صبح الی ساعت هفت صبح) برگزار می‌شود. شیوه اجرای آن بدین صورت است: در زمان‌های گذشته هنگام مراسم، کودکان و نوجوانان روستا برای گرفتن مژده‌گانی بر بالای خانه‌های همدیگر می‌رفتند و کلاه خود را که به صورتی به شال خود می‌بستند را از درون روچن (نورگیر) به درون خانه‌های همدیگر می‌انداختند و صاحب‌خانه هم مژده‌گانی خود را از قبیل کشک، کشمش، شیرینی و میوه‌های خشک شده و... درون کلاه می‌انداخت و فردی که مژده‌گانی دریافت می‌نمود، کلاه خود را به وسیله شال بالا می‌کشید. اما در چند سال اخیر که بافت خانه‌ها تغییر نموده و نورگیری در کار نیست، اهالی روستا در حالی که بانگ "کلاوه روچنی کلاوه روچنی" سر می‌دهند در کوچه‌ها و پس کوچه‌ها می‌گردند و از در و پنجره خانه‌ها وارد می‌شوند و مژده‌گانی خود را دریافت می‌کنند (موزه مجازی میراث معنوی ایران، خرداد ۱۳۹۶).

^۳ در مورد قدمت این آداب و رسوم سنتی سند مکتوبی در دست نیست ولی با توجه به روایت‌هایی که پی در پی و سینه به سینه از بزرگان نقل شده است حدود ده قرن سابقه دارند (موزه مجازی میراث معنوی ایران، خرداد ۱۳۹۶).

متعلق به استان کردستان در موزه میراث معنوی کشور سه تا از این آثار به منطقه‌ی هورامان اختصاص دارند اهمیت این تلاش‌ها را بیشتر نمایان می‌سازد. در ادامه چنین تلاش‌های است که ۲۴ اثر که شامل ۵۰ درصد آثار معنوی هورامان است به ثبت ملی رسیده و منطقه هورامان به عنوان پیشنهاد ایران در یونسکو برای ثبت جهانی در سال ۱۳۹۵ مطرح شده است. بر این اساس، هدف اصلی این مطالعه پاسخ به پرسش‌هایی از این دست است که؛ ۱. آیا در تحولات صورت گرفته در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ی هورامان، می‌توان نشانه‌هایی از داد و ستد و تعامل فرهنگی را یافت؟ ۲. آیا می‌توان از وقایع تاریخی که بر گرایش مردم هورامان به تعامل فرهنگی دلالت داشته باشد نام برد؟ ۳. ساکنان این منطقه در خصوص دیالکتیک و تعامل فرهنگ محلی با فرهنگ جهانی چگونه فکر می‌کنند؟ آن‌ها چه برداشتی از رفتارهای عام‌گرایانه و خاص‌گرایانه دارند؟ از نظر آن‌ها تعامل با فرهنگ جهانی چگونه می‌تواند تحولات فرهنگی توسعه‌محور را بدنبال داشته باشد؟

چارچوب نظری

تغییرات اجتماعی و ارتباط آن با ساختارهای فرهنگی و اجتماعی جامعه توسط نظریه پردازانی مثل ماکس وبر^۱، امیل دورکیم (۱۹۹۷)^۲، تالکوت پارسونز (۱۹۹۱)^۳، دانیل لرنر (۱۹۵۸)^۴، بریتگتون مور (۱۹۷۸)^۵، آندرو ویستر (۱۹۸۴)^۶، کارل دویچ (۱۹۶۱)^۷، گیدنز (۱۹۹۰)^۸، هریسون و هانتینگتون (۲۰۰۰)^۹ به انحاء مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در رابطه با وضعیت فرهنگ‌های محلی در رویارویی با فرهنگ عام جهانی رونالد رابرتسون از عام شدن امر خاص و خاص شدن امر عام سخن می‌گوید. بزعم رابرتسون «جهانی شدن در درجه نخست پدیده‌ای فرهنگی است، چرا که بستری برای جهانی شدن فرهنگ‌های خاص و بومی و محلی شدن عناصر فرهنگی جهانی را فراهم می‌کند» (بیر، ۱۹۹۴: ۲۸ به نقل از گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۴۳). زیگموند باومن نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «جهانی شدن بعضی مردم و محلی شدن بعضی دیگر» همسو با دیدگاه رابرتسون معتقد است که «همبستگی و دو پارگی جهانی شدن و سرزمینی گشتن، فرایندهای مکمل یکدیگر هستند. به این دلیل است که به گفته‌ی رابرتسون، بهتر است، به جای «جهانی شدن» از واژه جهان-محلی شدن فرایندی گفتگو کنیم که در آن توافق و درهم بافتگی تار و پود و از هم گسیختگی، و همبستگی و پراکندگی امور، عَرَضی و حتی رفع شدنی است. اما تقارن و اختلاف / ارتباط اجتماع- جامعه تنها بعد تأثیر متقابل جهانی شدن و محلی شدن نیست. مهم‌ترین و اصلی‌ترین بعد هم نیست. گو این که تأکیدهای مشترک در متون اصلی مربوط به جهانی شدن حاکی بر این امر است. چرا که آن را، معمولاً در محور اصلی رویارویی نبردهایی نشان می‌دهند که به دنبال جهانی شدن در می‌گیرد» (باومن، ۱۳۷۶: ۵۰). همچنین گیدنز معتقد است که در بستر جهانی شدن نمی‌توان نیروها، گرایش‌ها و فرهنگ‌های جدید احیاء شده را در قالب‌های سنتی همچنان با روابط سنتی حفظ کرد. حفظ و تطبیق آن‌ها نیازمند نگرش جدید و بازسازی است. از این روست که گیدنز می‌کوشد این نگرش جدید را در قالب نظریه «راه سوم» ارائه کند (گیدنز، ۱۹۹۹: ۴ به نقل از سلیمی، ۱۳۸۴: ۲۷۱). از مصلحت‌گرایی یا پراگماتیسم فرهنگی می‌توان به عنوان جوهره اصلی استدلال‌های نظری فوق یاد کرد. در جوامع مدرن بر پراگماتیسم به معنای تأکید بر جنبه‌های عملی افکار، عقاید و نتایج کارها تأکید زیادی می‌شود. ماکس وبر در این رابطه معتقد است که در جامعه مدرن استدلال‌های عقلی و یا مصلحت ناشی از آن، روابط اجتماعی را شکل می‌دهد.

بر این اساس انتظار می‌رود که در جامعه‌ی هورامان در حوزه‌های مختلفی نظیر ساختار قدرت در خانواده، تأثیرپذیری اشتغال از بازارهای فرامحلی، فعالیت‌های اقتصادی زنان، بازنمایی عناصر فرهنگی و جایگاه رسانه در این بازنمایی و همچنین توجه به تغییرات

- 1 Max Weber
- 2 Émile Durkheim
- 3 Talcott Parsons
- 4 Daniel Lerner
- 5 Barrington Moore Jr.
- 6 Andrew Webster
- 7 Karl Deutsch
- 8 Anthony Giddens
- 9 Samuel Phillips Huntington

زیست محیطی به مثابه یک مسئله جهانی تغییراتی قابل توجه رخ داده باشد و در خلال این تغییرات زمینه‌های عام شدن فرهنگ محلی، مثل صنایع دستی هورامان، و همچنین محلی شدن ارزش‌های جهانی، مثل ورود زنان به حوزه اشتغال، فراهم شده باشد. بنابراین در این مقاله با الهام از رویکرد نظریه پردازنی نظیر رابرتسون و گیدنز، که بر دیالکتیک فرهنگ محلی و جهانی در فرایند جهانی شدن تأکید دارند، به تحلیل تغییرات فرهنگی و اجتماعی در هورامان پرداخته می‌شود.

روش شناسی

روش شناسی این مقاله مبتنی بر روش کیفی است و در گردآوری داده‌ها از فنون مختلفی از قبیل تاریخ شفاهی، مشاهده و مصاحبه میدانی استفاده شده است. تاریخ شفاهی^۱ به عنوان اولین فن مورد استفاده، جهت گردآوری اطلاعات در تحقیقاتی است که با کمبود منابع مکتوب و به‌ویژه دانشگاهی مواجه‌اند و حکایت از بازسازی آکادمیک روایت‌های تاریخی از موضوعی خاص دارد (داناوی و باوم: ۱۹۸۴؛ تامسون: ۲۰۰۰). در همین رابطه بررسی پیشینه‌ی تحقیق نشان داد که موضوع مورد مطالعه با محدودیت‌های قابل توجهی در خصوص منابع علمی مواجه است. از این‌رو، تاریخ شفاهی یکی از تکنیک‌هایی بود که در این مطالعه جهت گردآوری اطلاعات تاریخی مورد استفاده قرار گرفت. مطالعه‌ی اسنادی^۲ یکی دیگر از فنون جمع‌آوری داده در این مطالعه بود. استفاده از این فن امری اجتناب‌ناپذیر است چرا که به‌منظور شناخت زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی جهان-محلی شدن، مطالعه‌ی منابع اسنادی و تاریخی ضروری بود و بدین منظور از فن فیش‌برداری که در مطالعات اسنادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است جهت گردآوری و طبقه‌بندی اطلاعات موجود استفاده شد. همچنین فیش‌برداری از منابع اینترنتی و فصلنامه‌های تخصصی در زمینه‌ی موضوع مورد مطالعه، بخشی از فنون بکار رفته جهت گردآوری مطالب در بخش اسنادی مطالعه بوده است.

مشاهده^۳ از مهم‌ترین، طبیعی‌ترین و پرکاربردترین شیوه‌ها و ابزار تحقیق است که در همه دانش‌ها جای دارد اما در دانش انسان از اهمیتی خاص برخوردار است و به تعبیر وب^۴ تمامی تحقیقات اجتماعی با مشاهده آغاز می‌شوند و با آن نیز پایان می‌پذیرند (رابسون: ۲۰۰۲؛ پاتون: ۱۹۹۰؛ ۲۰۰۵). از این‌رو، محقق به‌طور مداوم با جامعه‌ی مورد مطالعه در ارتباط بوده و از طریق عکس‌نگاری داده‌های دیداری برآمده از مشاهدات میدانی را ثبت و ضبط نموده است. به بیان دیگر، به‌درستی باید گفت، مشاهده جزئی اجتناب‌ناپذیر از هر مطالعه در باب هر پدیده اجتماعی است، مشاهده شخصی، امری عمدی و مستمر است و از این مشاهده است که محقق به نکته‌های بسیاری می‌رسد (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۱۷۴-۱۷۳). ذکر این نکته لازم است که بسیاری از دریافت‌های حاصل از مشاهده به هیچ طریق دیگری ممکن نبودند. انجام مصاحبه‌های عمیق، آخرین فن مورد استفاده در فرایند گردآوری داده‌ها بود. مصاحبه به‌ویژه نوع عمقی آن کمتر ساختمان است و به آزمودنی مورد مصاحبه برای هدایت جریان گفتگو آزادی بیشتری می‌دهد (دنزین: ۲۰۰۱؛ فری و فونتانا: ۱۹۹۱؛ ماکووبی: ۱۹۵۴). لذا از آنجا که محقق تجربه‌ی زیسته‌ی مشتری در جامعه‌ی مورد مطالعه دارد لذا با اتخاذ رویکرد امیک (نگاه از درون) از تکنیک مصاحبه‌ی عمیق جهت دستیابی به شناختی نسبتاً جامع از درک و تعبیر جامعه‌ی مورد مطالعه از عناصر جهانی و نحوه‌ی ترکیب آن‌ها با عناصر محلی استفاده شد. کارایی این تکنیک زمانی بیشتر نمایان می‌شد که جو دوستانه در میدان مطالعه منجر به شکل‌گیری پیوستار همدلی و هم‌زبانی بین محقق و مصاحبه‌شوندگان می‌شد و با شکل‌گیری محیطی آرام، فضای اعتماد و اطمینان برای مصاحبه‌شوندگان فراهم می‌شد. با استفاده از این فن نیز با ۴۵ نفر از ساکنان جامعه مورد مطالعه مصاحبه عمیق صورت گرفت. داده‌های جمع‌آوری شده نیز با استفاده از فنون تحلیل موضوعی و تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل شدند.

1 Oral history

2 Documentary study

3 Observation

4 Webb

یافته‌های اسنادی

در پاسخ به بخشی از سؤالات مطرح شده در این مقاله، نگاهی اجمالی به زمینه‌های تاریخی تعامل فرهنگی در جامعه هورامان می‌پردازیم. بررسی مختصر وقایع تاریخی در هورامان تصویری تاریخی از تعامل فرهنگی را در بین مردم هورامان به دست می‌دهد.

زمینه‌های تاریخی عام‌گرایی و تعامل فرهنگی در هورامان

در رابطه با وقایع تاریخی که بر گرایش مردم هورامان به تعامل فرهنگی دلالت داشته باشد و نشان‌دهنده داد و ستد فرهنگی در هورامان باشد شواهد تاریخی نشان می‌دهد که نوعی رویکرد مسالمت‌آمیز که آمادگی پذیرش سایر فرهنگ‌ها و تعامل با آن‌ها را داشته باشد در رفتار تاریخی مردم هورامان وجود دارد. به طوری که مردم هورامان هنگام روبرو شدن با شرایط فرهنگی جدید بر اساس منطقی عمل‌گرا^۱ با آن به تعامل پرداخته‌اند. در همین رابطه می‌توان به زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری آیین «اهل حق»^۲ در هورامان اشاره کرد. در این خصوص، بررسی‌های میدانی نشان داد که قبل از اسلام در هورامان تخت آیین زرتشتی و در یکی دیگر از روستاهای منطقه هورامان، روستای دیوزناو، آیین میتراپی رواج داشته است. همچنین بررسی‌های صورت گرفته نشان داد که دو آیین مذکور در طول حیات خود، مجادلات و درگیری‌های بسیاری با همدیگر داشته‌اند؛ اما با ورود سپاه اسلام به هورامان بزرگان آیین زرتشت، مشهور به شالیارها، و آیین میتراپی، مشهور به میرزابنوس‌ها، به منظور جلوگیری از ادغام شدن در آیین اسلام، آیینی جدید را بر اساس اشتراکاتشان ابداع می‌کنند و اسم آن را «اهل حق» به معنی پیروان راستی و حقیقت می‌گذارند. در همین رابطه یکی از سازوکارهای پیروان اهل حق در راستای حفظ بقا و باز تولید آیینشان از یک سوی، و اجتناب از ادغام شدن در دین اسلام توجه به برابری حقوق زن و مرد است. همچنین به منظور ترویج و نهادینه شدن اعتقادات خود در بین پیروانشان کتابی تحت عنوان «کلام سرانجام»^۳ را تدوین کردند و بر این اساس بود که مردم سایر نواحی کردستان لقب «گوران»^۴ را به آن‌ها دادند. چنین تغییری را می‌توان عام‌گرایی فرهنگی نام. به این معنا که تلاش برای درک کردن دیگران و درک شدن توسط دیگران از طریق یافتن اصول مشترک (گل محمدی، ۱۳۸۹: ۱۲۷). اگرچه بعدها به دلیل تبلیغات فردی به نام «گشایش» مردم هورامان به آیین اسلام روی آوردند و آموزه‌های اسلامی نیز به تدریج به آیین اهل حق راه یافت ولی آموزه‌های آیین اهل حق به منطقه هورامان محدود نشد و به دلایل مختلف تاریخی و سیاسی پیروان آن در داخل و خارج از ایران پراکنده شدند و هم اکنون پیروان این آیین را «یارسان» می‌نامند. در شکل شماره ۱ نمایی شماتیک از زمینه‌های تاریخی رفتارهای مسالمت‌آمیز و تعامل فرهنگی در هورامان نشان داده شده است.



شکل (۱): نمایش شماتیک زمینه‌های تاریخی رفتارهای مسالمت‌آمیز و تعامل فرهنگی در هورامان

¹ Pragmatist
² Ahl-e Haqq
³ Kalâm-e Saranjâm
⁴ Goran

یافته‌های میدانی

نتایج یافته‌های میدانی نشان داد که تحولات فرهنگی قابل توجهی در جامعه مورد مطالعه از قبیل حوزه خانواده، الگوی اشتغال، فعالیت‌های اقتصادی زنان و رسانه‌ها و پیامدهای آن بر روی عناصر فرهنگی و همچنین رفتار زیست‌محیطی مردم هورامان صورت گرفته است. در شکل شماره ۲ به نمایه‌سازی مهمترین مقوله‌های استخراج شده از داده‌ها اشاره می‌شود.

« در گذشته بیشتر مردان به کار گیوه‌بافی مشغول بودند و این کار اساساً شغلی مردانه تلقی می‌شد. اما امروزه با تقسیم کار در تولید و بافت اجزای مختلف گیوه، این نگاه جنسیتی به شدت تضعیف شده و زنان نیز در چرخه تولید گیوه نقش آفرینی دارند» (مرد ۴۰ ساله، متأهل و مشغول به گیوه‌بافی).
« در کنار گیوه‌بافی میخوام دار قالی و نخ بخرم. قالی بیافم و بفروشم و به هدف‌هایی که دارم از طریق پولی که بدست میارم برسم. تا کی باید منتظر شوهرم باشم» (زن ۲۷ ساله، متأهل و مشغول به گیوه‌بافی و قالی‌بافی).
« در گذشته مصرف صنایع دستی از قبیل گیوه‌بافی و چوخه‌رانک محدود بود به مردم خود هورامان بود، به همین دلیل تولید این صنایع نیز بسیار محدود بود و امکان تبدیل شدن به منبع درآمد برای زنان وجود نداشت. ولی امروزه با توجه به عرضه این صنایع در بازارهای فرامحلی، زنان گرایش معناداری به تولید این صنایع پیدا کرده‌اند و وضعیت پیش آمده تأثیر زیادی در دستیابی زنان به درآمدهای ناشی از گیوه‌بافی و سایر صنایع دستی داشته است» (مرد ۳۵ ساله، متأهل و فروشنده صنایع دستی).

« گران شدن گیوه انگیزه‌ی ما را برای بافتن آن بیشتر کرده قبلاً که قیمت آن کمتر بود وقت کمتری به آن اختصاص می‌دادم ولی الان که قیمتش بالا رفته وقت بیشتری برای آن می‌دارم» (زن ۱۹ ساله، متأهل و مشغول به گیوه‌بافی).

« وقتی که گیوه گران بشه سعی می‌کنم بیشتر بیافم. ولی وقتی ارزون شده مواد اولیه آن را خریدم و بافتم. و سعی هم کردم اونارو بفروشم تا قیمتشون باز بالا بره» (زن ۳۸ ساله، متأهل و مشغول به گیوه‌بافی).



« من هر وقت که بخوام در امور خانواده اقدامی بکنم بچه‌هایم از من می‌خواهند که بیشتر از گذشته به نظر همسرم توجه کنم، حمایت بچه‌هایم از مادرشان روز به روز بیشتر می‌شود. الان دیگر نمی‌توانم به تنهایی تصمیم بگیرم و یا همسرم را به انجام کاری وادار کنم» (مرد ۵۰ ساله، متأهل و کشاورز).
« بله، غالب زنان سواد دارند و از آنجا که اکثر خانواده‌ها به وسایل ارتباطی مجهز شده‌اند از طریق ماهواره خیلی چیزها را یاد گرفته‌اند... الان دیگه مردها نمی‌توانند مثل گذشته حرف اول و آخر را در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی بزنند» (زن ۲۷ ساله، متأهل و مشغول به گیوه‌بافی).

توجه به بازار مصرف در بازتولید صنایع محلی از جمله تغییراتی بود که مصاحبه‌شوندگان ادعا داشتند این تغییرات به دنبال گسترش وسایل ارتباطی صورت گرفته است. در این زمینه یکی از افراد مورد مصاحبه عنوان می‌دارد:
« صنایع محلی هورامان از جمله رانکو چوخه و کلاش (گیوه) در ابتدا به این شکل نبودند و این صنایع در طول زمان و با توجه به سبک زندگی مردم هورامان تغییر شکل یافته‌اند. حتی این اواخر دیده می‌شود که جهت فروش بیشتر کلاش «تغییراتی در طراحی ظاهر و رنگ» آن داده شده است و به نظر من این راهکار خوبی است». یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان نحوه تغییر شرایط موجود را چنین توصیف می‌کند: « تا قبل از گسترش زیرساخت‌های ارتباطی، مردم کمتری به اینجا می‌آمدند ولی با گسترش راه‌سازی و آسفالت شدن راه‌ها زمینه‌های تردد مردم از نقاط مختلف به هورامان فراهم شد و قطعاً با ورود افراد مختلف، فرهنگ‌های مختلف نیز به این جامعه نفوذ کرده‌اند و تأثیراتی را در فرهنگ ما داشته‌اند. این ارتباطات در نحوه بازتولید صنایع محلی هم اثر گذاشته است».

شکل (۲): نمایه‌سازی داده‌های مرتبط با مقولات جنسیت‌زدایی فعالیت‌های اقتصادی، اشاعه نسبی ارزش‌های جهانی، پراگماتیستی شدن الگوی اشتغال و رسانه‌ای کردن امر محلی



کلاش
با شلوار پارچه ای

- در مقایسه با گذشته طراحی کلاش به عنوان یکی از پرطرفدارترین صنایع محلی هورامان خیلی فرق کرده.
- ما سعی می‌کنیم به مشتریان غیر محلی نشان دهیم که می‌توانند کلاش را به جای کفش‌های معمولی استفاده کنند.
- وقتی که تغییر در طراحی و رنگ‌های مورد استفاده در کلاش باعث فروش بیشتر آن شده حتماً به این کار ادامه می‌دهیم. و سعی می‌کنیم نظر مشتریان را جلب کنیم.



- ما جوانان به دنبال آن هستیم که در اینترنت عناصر فرهنگی منطقه هورامان را به نمایش بگذاریم.
- هدف ما از این کار این است که فرهنگ‌آمان از بین نرود.
- به اشتراک گذاشتن فرهنگ محلی در فضای مجازی بر جذب توریست‌ها به هورامان تأثیر گذاشته است.



- اگر به نحوه زندگی کردن مردم نگاه کنید می‌بینید که چقدر سبک زندگی مردم تغییر کرده....
- قبلاً کشاورزی و دامداری منبع عمده درآمد مردم بود و زنان برای تأمین مخارج خانواده ناچار بودند که کمک حال آن‌ها باشند.
- الان با کم شدن کارهای کشاورزی و دامداری زنان وقت بیشتری دارند به گونه‌ای که امروزه تولید کلاش در هورامان به منبع درآمدی، ولو ناچیز، برای زنان تبدیل شده است.

شکل (۳): نمایی از عام کردن فرهنگ محلی و رسانه‌ای شدن آن در جامعه مورد مطالعه (منبع: یافته‌های میدانی)

گرایش به حفظ محیط زیست به مثابه ارزشی جهانشمول

طی سال‌های اخیر فعالیت‌های زیست محیطی و گرایش به حفظ محیط زیست به مثابه ارزشی جهانشمول به طور قابل توجهی گسترش یافته و انجمن‌های فعال در صدد رسانه‌ای کردن فعالیت‌هایشان و اشاعه فرهنگ حفاظت از محیط زیست هستند. انجمن سبز زردویی یکی از انجمن‌های فعال در امور زیست محیطی است. در تصویر شماره ۴ به بخش‌هایی از مصاحبه خبرگزاری ایرنا با برخی از اعضای این انجمن و همچنین برخی از فعالیت‌های زیست محیطی در جامعه مورد مطالعه اشاره می‌شود.



- برنامه‌های پاکسازی محیط زیست جزو فعالیت‌های مستمر انجمن سبز زردویی است.
- فرهنگ نریختن زباله در محیط در حال نهادینه شدن است.
- فعالیت‌های زیست محیطی با استقبال بسیار خوب مردم روبرو شده است.



- رسانه‌ای کردن فعالیت‌های زیست محیطی نمادین هستند.
- این اقدامات با هدف جلب مشارکت مردم انجام می‌شوند.
- این فعالیت‌ها بر اهمیت امانتداری از طبیعت و انتقال آن به نسل بعد و توجه به تشکلهای مردم نهاد تاکید دارند.

شکل (۴): نمایی از فعالیت‌های زیست محیطی در جامعه مورد مطالعه (منبع: یافته‌های میدانی؛ www.irna.ir؛ www.salampaveh.ir)

شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد و انجمن‌های حفاظت از محیط‌زیست را می‌توان تلاش برای همسو شدن با تغییرات نگرشی نسبت به محیط‌زیست در جوامع مختلف تعبیر کرد. یکی از زنان مورد مصاحبه تمایل خود را به عضویت در انجمن‌های حفاظت از محیط‌زیست چنین توصیف می‌کند:

«درست است که من یک زن هستم ولی تا به حال چندین بار در مهار آتش‌سوزی‌های اطراف روستا مشارکت داشته‌ام و اصلاً برایم مهم نیست که مردم درباره این کار من چی فکر می‌کنند... این مسئله با آینده فرزندان ما در ارتباط است و نباید نسبت به این آتش‌سوزی‌ها بی‌تفاوت باشیم».

بحث و نتیجه گیری

وقتی که از داد و ستد فرهنگ‌های خاص با فرهنگ عام جهانی سخن گفتیم یکی از پرسش‌های محوری را این گونه مطرح کردیم که آیا در جامعه‌ی هورامان می‌توان مصادیقی از قبیل بازتولید فرهنگ محلی در قالب قواعد عام و جهانشمول یافت که بتوان از آن تحت عنوان احیای امر محلی در چارچوب قواعد جهانی یاد کرد؟ بر اساس یافته‌های پژوهش مشاهده شد که مردم هورامان به این واقعیت پی برده‌اند که برای فروش بیشتر صنایع محلی خود نه تنها باید در طراحی و ظاهر آن‌ها تغییراتی را ایجاد کنند که سلیق مختلف را نیز در اعمال این تغییرات در نظر بگیرند. بنابراین می‌توان گفت که زمینه‌های عام شدن نسبی فرهنگ محلی، مثل صنایع دستی هورامان، در حال هموار شدن است. در همین رابطه پیترس معتقد است جوامعی که می‌کوشند کالاهای فرهنگی خاص خود را به گونه‌ای نوسازی و یا بازسازی کنند که در عین خاص بودن، مصرف جهانی داشته باشد، در راستای عام کردن امر خاص عمل می‌کنند (پیترس: ۱۹۹۴ به نقل از گل محمدی، ۱۳۸۹: ۱۴۴). تحولاتی از این دست همسوی با نتایج مطالعه از کیا و همکاران (۱۳۹۲) و همچنین این استدلال نظری است که بازسازی عناصر تاریخی هویت‌بخش و سنت‌گرایی آگاهانه بدون توسل به منطق جهانی و بازاندیشی درباره عناصر تاریخی و سنتی میسر نیست.

عام‌گرایی فرهنگی بر خلاف خاص‌گرایی فرهنگی؛ بر انطباق، انعطاف، آمیزش، تعدیل و تفاهم استوار است و مناسب‌ترین و عملی‌ترین موضع‌گیری را هنگام برخورد با اطلاعات، افکار، ارزش‌ها و دیدگاه‌های جدید توسل به گفتگو، هم‌پذیری و دست کم همزیستی می‌داند (گل محمدی، ۱۳۸۹: ۱۲۷). در این مطالعه نیز مشاهده شد که نحوه‌ی شکل‌گیری آیین اهل حق در هورامان می‌تواند بیان‌گر گرایش مردم هورامان به رفتارهای مسالمت‌آمیزی باشد که ضمن اجتناب از نزاع فرهنگی، نوعی هویت‌ترکیبی را نیز به دنبال داشته است. تغییر در آیین و مذهب مردم هورامان به حدی قابل توجه بوده که از سوی مردم کردستان لقب «گوران» گرفتند. امروزه در ادبیات‌گردشناسی نیز اصطلاح گوران برای معرفی مردم هورامان استفاده می‌شود. همچنین گرایش به عام‌گرایی و تعامل فرهنگی را می‌توان در ضرب‌المثل‌های رایج در فرهنگ هورامان نیز مشاهده نمود. در همین رابطه یافته‌های مطالعه وثوقی و عبدالهی (۲۰۱۳) نشان داد که اکثریت ضرب‌المثل‌های رایج در فرهنگ هورامان در صدد ترویج ارزش‌های عام‌گرایانه هستند.

یکی از دیدگاه‌های رایج درباره جهانی شدن، بویژه در خصوص فرهنگ عامه، عبارت است از فرو کاستن دنیا به یک دهکده‌ی جهانی آمریکایی. در این رویکرد پیش‌فرض آن است که وارد شدن ابزاری مثل اینترنت مترادف فرهنگ در نظر گرفته شده است و بر این اساس از عرضه شدن کالایی معین در جایی، می‌توان درباره چند و چون فرهنگ نیز در آن‌جا صحبت کرد (تاملینسون: ۱۹۹۹). بر خلاف این رویکرد یافته‌های این مطالعه بیان‌گر آن است که مردم هورامان از اینترنت به مثابه ابزاری برای بازنمایی عناصر فرهنگی هورامان استفاده می‌کنند و آنچه را که در فضای رسانه به اشتراک می‌گذارند عناصر فرهنگ محلی است نه عناصر فرهنگ جهانی و یا آمریکایی. تاملینسون^۲ نیز ضمن انتقاد از رویکرد مذکور معتقد است که اگرچه نحوه‌ی استفاده ما از کالایی می‌تواند موجب ترویج سرمایه‌داری به عنوان سبکی از زندگی شود ولی این موضوع را نمی‌توان با این فرض ثابت کرد که نفوذ یک کالا به بازار برابر است با نفوذ یک ایدئولوژی به مصرف‌کنندگان آن. بنابراین ورود ابزاری مثل تلگرام، به عنوان امری جهانی، نه تنها موجب زوال امر محلی در هورامان نشده است که زمینه‌های بازتولید و ترویج آن را نیز فراهم نموده است. در همین رابطه تاملینسون در اثر خود تحت عنوان «جهانی شدن و فرهنگ عامه» به مطالعه آیین انگ ۳ در هنگ کنگ اشاره می‌کند که چگونه فیلم‌سازان چینی با نمایش آمیزه‌ای از روایت‌های وسترنی و ارزش‌های کانتونی در فیلم‌های کونگ‌فویی موجب احیای این صنعت در چین شده‌اند و با این کار نیز به صنعت رو به زوال فیلمسازی چینی کمک کردند (همان: ۱۹۹۹).

^۱ به معنای کسانی که آیین و مذهب خود را تغییر داده‌اند.

^۲ John Tamlinson

^۳ Ien Ang

از دیگر نتایج قابل توجه این مطالعه استقبال زنان از رفتارهای عام‌گرایانه است. از آن‌جا که به طور سنتی زنان از محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی زیادی رنج می‌برند لذا از ورود به فعالیت‌های اقتصادی به مثابه رفتاری فرصت‌آفرین و رهایی‌بخش استقبال می‌کنند. این امر از یک سوی، جنسیت‌زدایی در فعالیت‌های اقتصادی را برای زنان به دنبال داشته و از سوی دیگر اشاعه نسبی ارزش‌های جهانی مثل توجه به حق و حقوق زنان در خانواده را نیز دنبال داشته است. اگرچه که تغییرات صورت گرفته در نحوه معیشت مردم به تدریج تساهل اجتماعی و فرهنگی را برای اشتغال زنان موجب شده است. ولی گرایش زنان به فعالیت‌های اقتصادی بیشتر از تعاملات زنان با عوامل بیرونی، مثل گسترش ارزش‌های برابری جنسیتی و استقلال‌طلبی زنان، تأثیر پذیرفته که این امر پذیرش فرهنگی "هنجارمند شدن فعالیت اقتصادی زنان" را فراهم نموده است. امروزه حفاظت از محیط زیست در جوامع مختلف ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای رسیدن به توسعه پایدار است و به مثابه ارزشی جهانشمول در حال اشاعه است. در این رابطه مشاهده شد که در هورامان گرایش به حفظ محیط زیست و گسترش انجمن‌های فعال در امور زیست‌محیطی در خلال دیالکتیک امر خاص و عام صورت گرفته است و مردم هورامان «خوانشی محلی» از «قواعد عام» دارند. بدین معنا که عامه مردم بر اساس آموزه‌های دینی حفاظت از محیط‌زیست را امری ضروری می‌دانستند و با اشاره به تأکید دین اسلام بر حفظ محیط زیست به عنوان موهبتی الهی خود را ملزم به حفاظت از آن می‌دانستند. جوانان نیز با رویکردی زیبایی‌شناختی و توسعه‌محور به این موضوع واکنش نشان می‌دادند و توریستی شدن منطقه هورامان را در گرو سالم نگه داشتن طبیعت و بکر ماندن آن می‌دانستند. در همین رابطه هلنا حلوه (۲۰۰۱) معتقد است که ارزش‌های فرامادی ساختار ارزشی کنش‌های محیط زیست‌گرایان را تشکیل می‌دهد به طوری که حاضرند با پرداخت هزینه از هر گونه زیان احتمالی به طبیعت جلوگیری کنند. پس می‌توان گفت که تغییرات صورت گرفته در نگرش مردم هورامان، بویژه جوانان، زمینه‌های نهادینه کردن رفتارهای زیست‌محیطی، توسعه‌محور و عام‌گرا را فراهم نموده است.

همچنین بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که مردم هورامان آمادگی و امکان این را دارند که عناصر فرهنگی خود را به گونه‌ای بازنمایی کنند که در قالب منطقی عام‌گرایانه امکان مطرح شدن در سطوح فرامحلی، ملی و فراملی را داشته باشند. همچنین مشاهده شد که چطور مردم هورامان در بازتولید صنایع دستی به سلیقه‌های مختلف توجه می‌کنند و با تغییر در طراحی گیوه‌های محلی به دنبال فروش بیشتر آن هستند. در واقع تغییرات در صنایع دستی هورامان به منظور افزایش کارایی، به مثابه منطقی جهانی، این محصولات اعمال شده است و از این تغییرات می‌توان تحت عنوان احیای امر محلی در چارچوب قواعد جهانی یاد کرد.

سوالی که این‌جا قابل طرح است این است که چرا با وجود فراهم بودن نسبی بستر فرهنگی متناسب با شاخص‌های توسعه در هورامان، هنوز هم این جامعه توسعه نیافته است؟ در این خصوص می‌توان گفت که توسعه نیافتگی هورامان ریشه در ناهماهنگی برنامه‌های توسعه با بسترهای فرهنگی و اجتماعی این جامعه دارد و در واقع جواب این سوال در نحوه برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های توسعه در هورامان نهفته است چرا که مصلحان توسعه در ایران با الهام از مکتب‌نوسازی همواره کوشیده‌اند تا شیوه برنامه‌ریزی از بالا به پایین را سرلوحه اقدامات خود قرار دهند. به عبارتی دیگر طراحان برنامه‌های توسعه در ایران مدعی‌اند با این روش می‌توان ارزش‌های توسعه‌محور را در جوامع سنتی مثل هورامان نهادینه کرده و بستر پذیرش این ارزش‌ها را فراهم کرد. شرایط فعلی جامعه هورامان و نتایج مطالعات صورت گرفته دال بر شکست مدل خطی توسعه و مدل‌های غیر مشارکتی در نقاط مختلف ایران دارند. ظهور گفتمان‌های پساتوسعه و مدل‌های مشارکتی توسعه ریشه در نتایج تحقیقات مختلف مبنی بر شکست ایده‌های مکتب‌نوسازی در دستیابی جوامع محلی به توسعه پایدار است (رهنما و باوتری؛ ۱۹۹۷؛ اسکوبار؛ ۱۹۹۲؛ ۱۹۹۵؛ ۲۰۰۰). لذا پیام سیاستی این مقاله آن است که مصلحان توسعه در برنامه‌ریزی‌های خود به بسترهای فرهنگی و اجتماعی جوامع محلی توجه لازم را داشته باشند و با تلفیق متناسب فرهنگ جهانی با فرهنگ محلی مسیر توسعه پایدار را هموار سازند.

¹ Up down planning

منابع

۱. ازکیا، مصطفی، وثوقی، منصور و عادل عبدالهی (۱۳۹۲)، جهان - محلی شدن و بازاندیشی در هویت زنان: مطالعه موردی هورامان تخت. فصلنامه توسعه روستایی، ۵ (۲)، صص ۲۲-۱.
۲. استوری، جان (۱۳۸۳)، جهانی شدن و فرهنگ عامه، ترجمه حسین پاینده، مجله ارغنون، شماره ۲۴، صص ۳۱۷-۳۰۱.
۳. باومن، زیگمونت (۱۳۷۶)، جهانی شدن بعضی مردم، محلی شدن بعضی دیگر، ترجمه‌ی فرهنگ ارشاد، ماهنامه جامعه‌ی سالم، سال هفتم، شماره ۳۷، اسفند ۱۳۷۶.
۴. بختیاری، رحمان و حسین سلگی (۱۳۹۰). بررسی ریشه‌شناختی چند فعل هورامی، فصلنامه پژوهش‌های زبانی، ۲ (۲)، ۷۵-۵۷.
۵. ثلاثی، محسن (۱۳۸۹). جهان ایرانی و ایران جهانی، چاپ ششم، تهران، انتشارات مرکز.
۶. سلیمی، حسین (۱۳۸۶)، نظریه‌های جهانی شدن، چاپ اول، انتشارات سمت.
۷. گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، جهانی شدن، فرهنگ، هویت، نشر نی، تهران، چاپ اول.
۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، چاپ سوم، تهران، نشر مرکز.
۹. محمدپور، احمد و مهدی رضایی (۱۳۸۷). درک معنایی پیامدهای ورود نوسازی به منطقه اورامان کردستان ایران به شیوه پژوهش زمینه‌ای، مجله جامعه‌شناسی ایران، (۱)
10. Amsden, A. H. (1994). Why isn't the whole world experimenting with the East Asian model to develop?: Review of the East Asian miracle. *World Development*, 22(4), 627-633.
11. Berger, P. L., Berger, B., & Kellner, H. (1973). The homeless mind: Modernization and consciousness.
12. Denzin, N. K. (2001). The reflexive interview and a performative social science. *Qualitative Research*, 1(1), 23-46.
13. Deutsch, K. W. (1961). Social mobilization and political development. *The American Political Science Review*, 55(3), 493-514.
14. Dunaway, D. K., & Baum, W. K. (1984). Oral history: an interdisciplinary anthology. American Assoc. State Local History.
15. Durkheim, E. (1997). The division of labor in society. Simon and Schuster.
16. Escobar, A. (1992). Imagining a post-development era? Critical thought, development
17. Escobar, A. (1995). Imagining a post-development era. *Power of development*, 211-227.
18. Escobar, A. (2000). Beyond the search for a paradigm? Post-development and beyond. *Development*, 43(4), 11-14.
19. Frey, J. H., & Fontana, A. (1991). The group interview in social research. *The Social Science Journal*, 28(2), 175-187.
20. Giddens, A. (1990). *The Consequences of Modernity* (Cambridge. Polity, 53(83), 245-260.
21. Harrison, L. E., & Huntington, S. P. (2000). *Culture matters: How values shape human progress*. Basic Books.
22. Helve, H. (2001). Reflexivity and changes in attitudes and value structures. *Youth, Citizenship and Empowerment*, 201-218.
23. Lerner, D. (1958). The passing of traditional society: Modernizing the Middle East.
24. Maccoby, E. E., & Maccoby, N. (1954). The interview: A tool of social science. *Handbook of Social Psychology*, 1, 449-487.
25. MacKenzie, D. N. (1966). The dialect of Awroman: '(Hawraman-i Luhon)': Grammatical sketch, texts, and vocabulary. *Ejnar Munksgaard i komm*
26. Moore, B. (1978). *Injustice: The social bases of obedience and revolt*. ME Sharpe White Plains, NY.
27. Page, J. (1994). The East Asian miracle: four lessons for development policy. In *NBER Macroeconomics Annual 1994, Volume 9* (pp. 219-282). MIT Press.
28. Parsons, T. (1991). *The social system*. Psychology Press.
29. Patton, M. Q. (1990). *Qualitative evaluation and research methods*. SAGE Publications, inc.
30. Patton, M. Q. (2005). *Qualitative research*. John Wiley & Sons, Ltd.
31. Rahnema, M., & Bawtree, V. (1997). *The post-development reader*. Zed Books.
32. Robson, C. (2002). *The analysis of qualitative data*. Blackwell.
33. Stiglitz, J. E., & Yusuf, S. (Eds.). (2001). *Rethinking the East Asian Miracle*. World Bank Publications.
34. Thompson, P. (2000). *Oral History. The voice of the past*.
35. vmic.ir

36. Vosoughi, M., & Abdollahi, A. (2013). A Sociological Study of the Culture of Development in Hawrami Proverbs. *IAU International Journal of Social Sciences*, 3(3), 23-30.
37. Webster, A. (1984). *Introduction to the Sociology of Development* (Vol. 84). Macmillan London.
38. www.irna.ir
39. www.salampaveh.ir

Archive of SID